

رابطه پیوندهای اجتماعی و معنایی با احساس هویت مکانی در محله‌های

مسکونی (مورد مطالعاتی: محله سپه شهر قزوین)*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۳

مانا ابراهیمی مجرد^۱، فرهنگ مظفر^{۲*}، سید باقر حسینی^۳

بهرام صالح صدق‌پور^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: احساس هویت مکانی به‌عنوان زیرساختی از هویت فردی، نقش مهمی در رابطه شناختی انسان و مکان سکونت وی دارد. بنابراین، ارتقای هویت مکانی در محله‌های مسکونی علاوه بر بهبود کیفیت سکونت، در غنای شخصیت فردی نیز نقش محوری دارد. این در حالی است که پیوندهای اجتماعی و معنایی ساکنان با محله، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویت مکانی آن‌ها دارد. از این جهت، هدف مقاله حاضر بررسی رابطه پیوندهای اجتماعی و معنایی ساکنان با احساس هویت مکانی آن‌ها است.

روش: روش پژوهش، همبستگی و مدل‌یابی روابط علی است. جامعه آماری، شامل کلیه ساکنان محله سپه شهر قزوین در زمستان سال ۱۳۹۹ بوده است. نمونه پژوهش، ۲۸۰ نفر از ساکنان محله سپه بوده‌اند که به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه محقق‌ساخت میان آن‌ها توزیع گردید. پس از تأیید پایایی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ و روایی آن از طریق تحلیل عامل اکتشافی، مدل تجربی به روش تحلیل مسیر به دست آمد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد ابعاد شکل‌گیری احساس هویت مکانی در محله سپه شامل این‌همانی، تناسب محیطی و بیگانگی است. از میان پیوندهای اجتماعی و معنایی، انطباق اجتماعی-فرهنگی از جمله روابط همسایگی، سازگاری با آداب‌ورسوم و تطابق با سبک زندگی بیشترین تأثیر مستقیم را بر بعد تناسب محیطی در شکل‌گیری هویت مکانی ساکنان دارد ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج، هویت مکانی در محله سپه، غالباً ناشی از حس مشترکی است که میان ساکنان به‌واسطه عضویت در یک مقوله اجتماعی شکل گرفته است، بنابراین جهت ارتقای احساس هویت مکانی ساکنان لازم است متغیرهای انطباق اجتماعی-فرهنگی مدنظر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: احساس هویت مکانی، پیوندهای اجتماعی و معنایی، محله سپه شهر قزوین، تحلیل عامل اکتشافی، مدل‌یابی

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول است.

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: fmozafar@iust.ac.ir

۳. دانشیار، گروه معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

The Relationship between Social and Semantic Bonds with the Sense of Place-identity in Residential Neighborhoods (Case Study: Sepah Neighborhood of Qazvin)¹

Mana Ebrahimi Mojarad²

Farhang Mozaffar^{3}*

Seyed Bagher Hosseini⁴

Bahram Saleh Sedghpour⁵

Original Article

Abstract

Introduction: Sense of place-identity as an infrastructure of individual identity, plays an important role in the cognitive relationship between man and his place of residence. Therefore, improving residents' place-identity in residential neighborhoods improves the quality of residence, also enriches individual personality. However, the social and semantic bonds have a significant role in the formation of place-identity. The purpose of this paper is to investigate the relationship between social and semantic bonds of residents with a sense of place-identity in residential neighborhoods.

Method: The method is correlation and modeling. The statistical population consisted of residents of the Sepah neighborhood of Qazvin in the winter of 2021. The sample was 280 residents of the Sepah neighborhood selected by cluster random sampling and a researcher-made questionnaire was distributed among them. After confirming its reliability by calculating Cronbach's alpha and its validity through exploratory factor analysis, the experimental model was obtained through path analysis.

Results: The results showed that place-identity dimensions in Sepah contain identification, environmental fit and alienation. Among the social and semantic bonds, social-cultural adaptation including neighborhood relationships, compatibility with customs and lifestyle adaption has the greatest direct effect on the environmental fit in place-identity formation ($P < 0/01$).

Conclusion: According to the results, place-identity in Sepah is often due to the common sense that has been formed among residents through membership in a social category; therefore, to improve the sense of place-identity, it is necessary to consider socio-cultural adaptation variables.

Keywords: Sense of place-identity, Social and semantic bonds, Sepah neighborhood of Qazvin, Exploratory Factor Analysis, Modeling

1. This article is derived from the first author's Doctoral dissertation.

2. Ph.D. candidate of Architecture, Department of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

3. Associate professor, Department of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

* Corresponding Author: fmozafar@iust.ac.ir

4. Associate professor, Department of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

5. Associate professor, Department of Educational Science, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran

مقدمه

انسان برای حفظ تعادل روان‌شناختی خویش، همواره تمایل دارد تا تصویر مثبتی از خود در ذهن داشته باشد که این امر نیازمند برخورداری از خود پیوسته‌ای است که هویت فرد را در طول زمان تضمین نماید. اگرچه شکل‌گیری هویت فرایندی پویا است و طبق نظریه‌های روان‌شناسی ثابت نیست، لیکن نیاز به تداوم هویت فردی، برای ارتقای سلامت روان و کیفیت زندگی الزامی است. بر اساس ادبیات موضوع، محیط‌های مسکونی نقش بسیار مهمی در ساخت هویت شخصی افراد دارند (رمضانپور، شرقی و صالح صدق‌پور، ۱۳۹۸؛ دی دومینیچیز، فورنرا، کنچلیری، توئیگر-راس و بونیتو، ۲۰۱۵؛ مانزو و دوین-رایت، ۲۰۱۳؛ نورمحمدی، ۲۰۱۲). تعامل شناختی انسان با محیط سکونت خویش که با «احساس هویت مکانی» توصیف می‌شود، یکی از مهم‌ترین وجوه رابطه انسان و مکان است. درحالی‌که طی سال‌های اخیر، کاهش احساس هویت مکانی ساکنان سبب افزایش جابه‌جایی‌های سکونتی و زمینه‌ساز مشکلات روحی-روانی مانند ازخودبیگانگی و اضطراب بوده است (برناردو و پالما-الیویرا، ۲۰۱۶). هویت مکانی که به‌ویژه موردتوجه روان‌شناسان محیطی است، باعث افزایش سلامت روانی، امنیت، تعامل اجتماعی، کمک‌های متقابل و ایجاد فضاهای دفاع‌پذیر می‌شود (تانج، رایان، مور و بکل، ۲۰۱۵؛ پوردیهیمی و نورتقانی، ۱۳۹۲). در اینجا این سؤال پیش می‌آید که نقش محله‌های مسکونی در ایجاد احساس هویت مکانی ساکنان چیست؟ درحالی‌که شکل‌گیری هویت مکانی به بسیاری از عوامل بستگی دارد، تحقیقاتی که در رابطه با محل زندگی و شکل‌گیری هویت انسان انجام شده است، نشان می‌دهد پیوندهای اجتماعی و معنایی ساکنان با محیط مسکونی بر روی شکل‌گیری احساس هویت مکانی آن‌ها تأثیر زیادی دارد (رولز، ۲۰۱۷؛ راپاپورت، ۲۰۱۶؛ رولو و دی پیکولی، ۲۰۱۰).

مفهوم هویت مکانی اشاره به بخشی از هویت شخصی فرد دارد که بر اساس ویژگی‌های نمادین محیط کالبدی اطراف او شکل گرفته است. بنابراین، هویت مکانی زیرمجموعه هویت فردی است و هم‌تراز دیگر ابعاد هویتی مانند جنسیت و طبقه اجتماعی قرار می‌گیرد (حیدری، ۲۰۱۷). به نقل از پروشانسکی، فیبان و کمیناف، (۱۹۸۳). در چنین نظرگاهی، شکل‌گیری هویت مکانی، فرایندی ادراکی و شناختی مبنی بر قیاس و انطباق دائم میان عینیت و ذهنیت با هدف تعریف چستی و کیستی خود از نقطه نظر پیوستگی به محیط‌های خاصی است (ارباب، عزیز و

1. De Dominicis, Fornara, Cancellieri, Twigger-Ross & Bonaiuto
2. Manzo & Devine-Wright
3. Noormohammadi
4. Bernardo & Palma-Oliveira
5. Tonge, Ryan, Moore & Beckle
6. Rowles
7. Rapoport
8. Rollero & De Piccoli
9. Heydari
10. Proshansky, Fabian & Kaminoff

زبردست، ۱۳۹۴). پیوند هویت یک فرد با مکان از آنجا شکل می‌گیرد که مکان‌ها، خاطرات فرد را بازنمایی می‌نمایند، بنابراین این نوع پیوند غالباً ماهیتی اجتماعی و معنایی دارد که می‌تواند سبب احساس هم‌هویتی فرد با یک مکان شود (دی دومینیچیز و همکاران، ۲۰۱۵). هویت مکانی یعنی ویژگی‌هایی از یک فرد که به واسطه تجربه مکان‌ها شکل می‌گیرد و او را از دیگران متمایز می‌کند یا بر اساس آن ویژگی‌ها او را به گروهی از افراد پیوند می‌دهد (گلرخ، ۱۳۹۲)، و تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رشد شخصیت، سلامت روانی فرد و معنابخشی به زندگی او دارد (بوربور و تاجیک اسماعیلی، ۱۴۰۰؛ نجفی و شریف، ۲۰۱۱).

تحقیقات در زمینه هویت مکانی، طیف گسترده‌ای از مطالعات را در بر می‌گیرد. در مقاله حاضر، با توجه به ماهیت روان‌شناختی هویت مکانی و بر اساس هدف تحقیق، به دو دسته از تحقیقات اشاره می‌شود: در این میان، برخی محققان به شناسایی ابعاد شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های شهری پرداخته‌اند. در پژوهش دروسلتیس و ویگنولز^۲ (۲۰۱۰)، هویت مکانی محصول پاسخ‌گویی محیط به نیازهای ساکنان و شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی و نمادین قلمداد می‌شود. از نظر آن‌ها معیارهای «خود گسترده»^۳، به معنای تبدیل شدن مکان به بخشی از وجود ساکنان؛ «تناسب محیطی»^۴، به معنای توانایی انطباق و تعامل میان مردم و محیط و نیز «تجانس»^۵ و هم‌سنخی با مکان مبنی بر فراهم نمودن معنا و اهمیت معنوی محیط برای ساکنان، معیارهای مهم در این زمینه هستند. وحیدا و نگینی (۱۳۹۱)، به ساخت مقیاس هویت محله‌ای پرداختند و مقوله‌های امنیت، تعلق و تعاملات اجتماعی را استخراج کردند. نوابخش، حاجیانی و بهلول (۱۳۹۱)، در ارزیابی هویت محله‌ای در شهر تهران، تعلق و تعهد به محله را دو معیار شکل‌دهنده هویت دانسته و مؤلفه‌های دوست داشتن محله، دوست داشتن افراد محله، غرور و افتخار به محله، شناخت فرد از محله و عدم تمایل به نقل مکان از محله را شناسایی نمودند. ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، معیارهای آشنایی، رضایتمندی، تعلق مکانی، خاطره‌انگیزی و تعامل اجتماعی را در این زمینه شناسایی کردند. از نظر سوینی، وارا^۶ و پودا^۶ (۲۰۱۲)، هویت مکانی عمدتاً بر اساس پیوندهای اجتماعی، پایه‌گذاری می‌شود؛ ارتباطات اجتماعی، ریشه‌داری، تشخص و رضایتمندی از معیارهای مهم در این زمینه هستند. کاظمینی، غفوریان و حصار^۷ (۱۳۹۹)، در بازشناسی معیارهای هویت‌مندی محله‌های ایرانی به حس تعلق و امنیت خاطر، آرامش و تصویر ذهنی مثبت از مکان اشاره کردند.

دسته دیگر از پژوهش‌ها، به شناسایی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر هویت مکانی در محله‌های

1. Najafi & Shariff
2. Droseltis & Vignoles
3. Extended-self
4. Environmental fit
5. Congruity between self and place
6. Soini, Vaarala & Pouta

شهری پرداخته‌اند. در پژوهش رولرو و دی پیکولی (۲۰۱۰)، مشارکت، ارتباطات اجتماعی و رضایتمندی سکوتی، و در تحقیقات لویکا^۱ (۲۰۱۱)، میزان ارتباط با همسایگان، ریشه‌های خانوادگی و تمایل به مشارکت در امور محلی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هویت مکانی هستند. به عقیده یوچنگ^۲ (۲۰۱۲)، ثبات ارتباط با محیط و میزان آشنایی و از نظر گلرخ (۱۳۹۱)، رویدادها در ایجاد هویت مکانی مهم هستند. کاشی و بنیادی (۱۳۹۲)، هویت مکان و هویت مکانی را دارای رابطه‌ای دوسویه دانسته و به عواملی از جمله مشارکت، مدیریت شهری و زمان اشاره داشتند. سزارینی^۳ (۲۰۱۶)، تأثیر فضای نمادین بر شکل‌گیری هویت مکانی را بیشتر از فضای واقعی دانست. جوادی، بوداغ و مکانی (۱۳۹۴)، مدلی از عوامل هویت‌بخش جمعی ارائه کردند که در بعد ادراکی - شناختی، خاطرات جمعی، فرهنگ و مشارکت شهروندان از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن بودند. حیدری (۲۰۱۷)، عواملی از جمله محصوریت، خاطرات جمعی، دعوت‌کنندگی و نشانه‌های تاریخی را در زمینه هویت مکانی مهم برشمرد. شالین^۴ (۲۰۱۷) در پژوهشی در چین، نشان داد جابه‌جایی اجباری و مداخلات ساختاری در محله‌های مسکونی بر احساس هویت مکانی ساکنان تأثیر منفی دارد و سبب ایجاد نوعی حس غریبی با مکان می‌شود. ملنیچاک و نیدیک^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی به مقایسه رابطه تغییرات ساختارهای فضایی و هویت مکانی در مناطق تاریخی و جدید پرداختند، پژوهش آن‌ها نشان داد سابقه تاریخی در ادراک تداوم مکانی توسط ساکنان تأثیر مثبت دارد. حسین‌آبادی، سلمانی مقدم و نوری دشتیان (۱۳۹۸)، در پژوهشی در شهر سبزوار عواملی مانند مدت اقامت در محله، مالکیت مسکن و تعاملات اجتماعی را از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری هویت مکانی برشمردند. کتنی، فراست و وان^۶ (۲۰۱۹)، در بررسی هویت مکانی در محله‌های شهری انگلستان، شبکه اجتماعی - فضایی شهری، تنوع گروه‌های اجتماعی و قدرت اقتصادی را مهم برشمردند. در نهایت، با بررسی تحقیقات پیشین و با توجه به ماهیت روان‌شناختی مفهوم هویت مکانی، ۶ معیار اساسی برای مفهوم‌سازی و سنجش هویت مکانی استخراج شد:

خود گسترده: مهم‌ترین معیاری که در تحقیقات پیشین برای بیان عملکرد هویت در ارتباط با محیط ساخته شده وجود دارد، خود گسترده است؛ این مفهوم معرف آن است که انسان، مکان‌ها را از بعد شناختی به‌عنوان بخشی از هویت خود حس می‌کند (بلک^۷، ۲۰۱۳). تعلقات افراد فقط به اشیاء و وابستگی آن‌ها محدود نمی‌شود و حتی مکانی که فرد برای زندگی انتخاب می‌کند، بیانی از خود گسترده است که به سؤال «من چه کسی هستم؟» پاسخ می‌دهد. از این‌رو، شکل‌گیری خود

1. Lewicka

2. Ujang

3. Cesarini

4. Shaolian

5. Melnychuk & Gnatiuk

6. Catney, Frost & Vaughn

7. Belk

گسترده وابسته است به ادراک فرد از آنچه دیگران او را می‌بینند (کارتر و فولر، ۲۰۱۵). محیط‌های مسکونی غالباً نمادهایی از ارزش‌ها، عقاید و رفتارهای ساکنان را ارائه می‌دهند و در نتیجه فرصتی برای نشان دادن تصورات فرد به دیگران فراهم می‌کنند (پوردیهیمی و نورتقانی، ۱۳۹۲). طبق نظریه کنش متقابل نمادین، فرد معانی نمادینی را که طی تعامل با مکان و محله کسب می‌کند به خودش و سایر ساکنان نسبت می‌دهد و سپس بر اساس آن، هویتی برای خویش متصور می‌شود. به بیانی دیگر فرد می‌آموزد تا بسیار شبیه به روشی که دیگران درباره او قضاوت می‌کنند، خود را ارزیابی کند (هامن، ۲۰۱۶).

تناسب محیطی: به مفهوم «خود شناختی»^۳ مربوط است، که مبتنی بر انطباق ذهنی انسان با محیط فیزیکی اطراف اوست (ون و اینن، ۲۰۱۸). مفهوم تناسب در این پژوهش، مشابه مفهوم سازگاری در سلامت روان است که به‌عنوان درجه رضایت یا تأمین اهداف و نیازهای فردی است. تناسب محیطی به ابعاد عملکردی مکان اشاره دارد و باز نمود میزانی است که یک مکان در برآوردن نیازها و تأمین اهداف فراهم می‌آورد. بسیاری از مدل‌های نظری تناسب فرد-مکان، بر اساس ایده لوین^۵ (۱۹۵۱) از «فضای زندگی» شکل گرفته‌اند. بر اساس نظریه لوین، تناسب فرد-مکان، نتیجه تعامل محیط فیزیکی و روان‌شناختی انسان و موقعیت‌های حال، گذشته و آینده او است (لین، ۲۰۱۳). در واقع، انسان‌ها به دنبال مکانی هستند که با شخصیت آن‌ها منطبق باشد تا از این طریق احساس تداوم، امنیت و تعلق را تجربه کنند (ون و اینن، ۲۰۱۸). تناسب محیطی از معیارهای اصلی کارآمدی است و هدف آن ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و مکان عینی است. یکی از عوامل مؤثر در تناسب محیطی، سبک زندگی است که وابسته به فرهنگ انسان است (افشاری، پوردیهیمی و صالح صدق‌پور، ۱۳۹۴).

تجانس فرد-مکان: تصویری است که انسان مطابق و هماهنگ با ارزش‌ها، عقاید و شخصیت خود از مکان می‌سازد (چن، سگادا و گالجا، ۲۰۱۸). کاهانا^۸ (۱۹۸۲)، بر اساس تئوری لوین، ایده تجانس فرد-مکان را مطرح کرد. از این زاویه، تجانس بیشتر با شاخص‌های ادراکی مکان سروکار دارد و تناسب با شاخص‌های عملکردی آن (لین، ۲۰۱۳). طبق پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۸)، تجانس بر انتخاب آگاهانه مکان تأثیر مثبت دارد. فردی که هماهنگی بیشتری با مکان اطراف خود داشته باشد، حس رضایت و این‌همانی را تجربه می‌کند. این مفهوم در حوزه

1. Carter & Fuller

2. Hummon

3. Ecological self

4. Van Vianen

5. Lewin

6. Lien

7. Chen, Šegota & Golja

8. Kahana

مطالعات مربوط به جابه‌جایی سکونتی (ژانگ^۱، ۲۰۱۵)، تعلق و هویت مکانی (دی دومینیچیز و همکاران، ۲۰۱۵) و درزمینه طراحی معماری (راپاپورت، ۲۰۱۶) موردبررسی قرار گرفته است. وابستگی عاطفی^۲: با پیگیری پژوهش‌های پیشین مانند جغرافی‌دانان انسان‌گرا و مردم‌شناسی اجتماعی، پیوندهای عاطفی به مکان به‌عنوان یکی از جنبه‌های توصیفی پیوستگی مردم به مکان در نظر گرفته می‌شود. با این حال، مفاهیم هویت مکانی و وابستگی مکانی بسیار نزدیک هستند. در برخی تحقیقات از جمله برناردو و پالما-الیویرا (۲۰۱۶)، وابستگی عاطفی و هویت مکانی ساختارهای جداگانه‌ای در نظر گرفته شده‌اند. در تحقیقاتی مانند یوچنگ و ذکریا^۳ (۲۰۱۵)، وابستگی عاطفی به مکان دربرگیرنده هویت مکانی است و یا در تحقیقاتی از جمله چن و سکر^۴ (۲۰۱۸)، هویت مکانی و وابستگی عاطفی به مکان، هر دو به ساختار دیگری مربوطاند، به نام حس مکان. در پژوهش حاضر، با به‌کارگیری مفهوم هویت مکانی، به پیوندهای نیرومند شناختی فرد در رابطه با مکان می‌پردازیم. از این دیدگاه وابستگی عاطفی زیرمجموعه سازه هویت مکانی قرار می‌گیرد.

بیگانگی با مکان^۵: در تحقیقات پیشین بیشتر به ابعاد مثبت رابطه فرد- مکان پرداخته شده است، درحالی‌که مطالعات مانزو (۲۰۱۹) نشان می‌دهد رابطه فرد- مکان ابعاد منفی نیز دارد. این سطح از ابعاد منفی هویت مکانی است، که در آن افراد معمولاً از محله خود رضایت ندارند و آن را بخشی از هویت خویش نمی‌دانند. علت این امر را می‌توان جابه‌جایی اجباری و یا تغییرات کالبدی و ساختاری در محل سکونت دانست. مفهوم بیگانگی با مکان را اولین بار هامن (۱۹۹۲) مطرح کرد، لیکن فرایند جابه‌جایی و اعیان‌سازی مراکز شهرهای تاریخی، منشأ مفهوم بیگانگی با مکان در دوران مدرن است، که نشان می‌دهد رابطه مستقیمی میان شخصیت تاریخی مکان و عدم احساس بیگانگی با آن وجود دارد (دیاز- پارا و جور^۶، ۲۰۲۱).

بی‌مکانی^۷: این مفهوم حاکی از آن است که سکونت در یک مکان خاص یا هر جای دیگر، برای فرد فرقی ندارد. فرایند هویت‌یابی در این افراد فاقد هرگونه وابستگی به مکان خاصی است. در این حالت، فرد هیچ انتظاری از زندگی در یک مکان و یا احساس مسئولیتی نسبت به آن ندارد (کراس^۸، ۲۰۱۵، به نقل از کراس، ۲۰۰۱). بی‌مکانی در نتیجه فقدان معنابخشی مکان برای فرد به وجود می‌آید که سبب محرومیت او از شناخت مکان خواهد شد (فیلیپس، والفرد و هاکی^۹، ۲۰۱۱). البته هنوز راجع به عوامل مؤثر بر بی‌مکانی پژوهش‌های زیادی انجام نشده است (یوچنگ و ذکریا، ۲۰۱۵).

1. Zhang
2. Emotional attachment
3. Ujang & Zakariya
4. Chen & Sekar
5. Place alienation
6. Diaz-Parra & Jover
7. Placelessness
8. Cross
9. Phillips, Walford & Hockey

بررسی ادبیات موضوع در بخش مؤلفه‌های مؤثر بر هویت مکانی، نشان می‌دهد رابطه هویت فرد با مکان به‌ویژه محل زندگی او، اغلب ماهیت اجتماعی و معنایی دارد. این پیوندها را می‌توان به ۸ دسته به شرح زیر تقسیم کرد:

تبارشناسانه^۱؛ یکی از انواع پیوندهای فرد-مکان، رابطه‌ای است که در اثر ارتباطات نسبی مانند وابستگی به خانواده و نیاکان و یا مکان زادگاه فرد اتفاق می‌افتد. این نوع پیوند که از طریق بررسی تاریخچه زندگی فرد در مکان قابل بررسی است، معمولاً در جوامعی رخ می‌دهد که رابطه ساکنان و محیط سکونت‌شان در زمان‌های طولانی برقرار بوده است (کراس، ۲۰۱۵). هویت مکانی رابطه مستقیم با مدت‌زمان سکونت فرد در یک مکان دارد، به‌ویژه هنگامی که محل زندگی فرد، محل تولد او نیز باشد (ژانگ، ۲۰۱۵). هر اندازه که ویژگی‌های مکان زندگی فرد به ویژگی‌های مکانی که در آن متولد و بزرگ شده نزدیک‌تر باشد، آن مکان با ایده‌آل‌های فرد منطبق‌تر است (پیربایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰).

اقتصادی؛ پیوندهای مالی به مکان از طریق مالکیت زمین، خانه و یا وجود محل کار شکل می‌گیرد (دروسلتیس و ویگنولز، ۲۰۱۰). این رابطه معمولاً به‌واسطه میراث مادی گذشتگان به وجود می‌آید، چون زمین عاملی اقتصادی است و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی فرد، اغلب به مالکیت بستگی دارد (کراس، ۲۰۱۵). همچنین اعتباری که از طریق مالکیت به وجود می‌آید، باعث می‌شود ساکنان تمایل کمتری به جابه‌جایی داشته و همین عدم تغییر در ساکنان، منجر به شناخت بیشتر از یکدیگر و ایجاد پیوندهای عمیق‌تری با مکان می‌شود (سعادت، مظفر و حجت، ۱۳۹۷).

شبکه اجتماعی غیررسمی؛ این نوع پیوند در اثر ارتباط با اجتماع محلی و همسایگان و آشنایان ایجاد می‌شود (لو^۲، ۲۰۱۶). مشارکت و همکاری در امور اجتماعی محله می‌تواند سبب ایجاد آشنایی بیشتر افراد و تقویت پیوندهای اجتماعی میان ساکنان شود (کراس، ۲۰۱۵). پیوندهای اجتماعی می‌تواند به‌عنوان عاملی جهت جلوگیری از جابه‌جایی افراد از مکان و ایجاد هویت مکانی باشد، که بر اساس نیاز به ماندگاری در محیط به وجود می‌آید (ورکوین^۳، ۲۰۱۸).

اعتبار اجتماعی؛ این نوع پیوند مبتنی بر دیدگاه سلامت اجتماعی است که ارزیابی رفتارهای معنی‌دار مثبت و منفی فرد در ارتباط با دیگران را، معیار کارایی او می‌داند (کیخاونی، صفاری‌نیا، علی‌پور و فرزاد، ۱۳۹۹). جایگاه مطلوب اجتماعی محله، همگنی اجتماعی و بومی بودن افراد محله که حس عضویت در یک گروه اجتماعی را تقویت می‌کند، سبب این پیوند با مکان است (کراس، ۲۰۱۵). ازطرفی اعتبار اجتماعی محله و شناخته شدن فرد توسط سایر ساکنان می‌تواند به‌لحاظ روانی حس مثبتی در فرد ایجاد کند که مبتنی بر نظریه کنش متقابل نمادین، فرد با محل سکونت

1. Genealogical links

2. Low

3. Verkuyten

خویش احساس این‌همانی می‌کند (پوردیهیمی و نورتقانی، ۱۳۹۲).

انطباق فرهنگی؛ این رابطه به‌علت انطباق با آداب‌ورسوم، ارزش‌های اخلاقی و عقاید مذهبی شکل می‌گیرد و باعث ایجاد حس تعهد به مکان می‌شود (کراس، ۲۰۱۵). لو (۲۰۱۶)، در بررسی نقش فرهنگ در موضوع مکان، حفظ ارزش‌های انسانی را سبب بازنمود مکان ایده‌آل و تقویت پیوند فرد-مکان معرفی کرد.

معنوی؛ این رابطه که به‌صورت ناخودآگاه در فرد ایجاد می‌شود، نوعی از پیوند غیرملموس فرد-مکان است که از طریق وابستگی‌های دینی و کیهان‌شناختی به‌واسطه وجود مکان‌های مقدس و باارزش و یا از طریق مناسبات مذهبی و معنوی به وجود می‌آید (کراس، ۲۰۱۵). اکثر مطالعات تجربی از جمله لو (۲۰۱۶)، معنویت را عامل اصلی پیوند افراد به سرزمین و مکان زندگی آن‌ها می‌داند. استد و دامنی^۱ (۲۰۱۸)، اهمیت محورهای معنوی را در تداوم معنای مکان مطرح کردند و به بررسی رابطه پیوندهای کیهان‌شناختی و جابه‌جایی در دوران مدرن و اهمیت نقش مراکز مقدس و مذهبی پرداختند.

روایتی^۲؛ نوعی از پیوند فرد-مکان است که از خلال داستان‌های خانوادگی، گزارش‌های سیاسی و یا خیالی مربوط به مکان شکل می‌گیرد (کراس، ۲۰۱۵). بازگویی داستان‌ها و ادراک اسمی مکان، آشنایی با تاریخچه آن را افزایش می‌دهد و سبب تداوم هویت مکانی می‌شود (شلت^۳، ۲۰۱۷).

رویدادی^۴؛ به‌واسطه اجرای مراسم مذهبی-آئینی و رویدادهای تاریخی به وجود می‌آید (دروسلتیس و ویگنولز، ۲۰۱۰). معمولاً این نوع پیوند به‌دلیل اهمیت مذهبی یا اجتماعی-سیاسی، مدت‌های زیادی دوام می‌یابد. برای مثال، افرادی که قبلاً در محله سکونت داشته‌اند، برای شرکت در مراسم سالیانه (مانند مراسم عاشورا)، محله گذشته خود را انتخاب می‌نمایند (پیربایی و سجاده، ۱۳۹۰). رویدادهای محلی سبب انسجام اجتماعی، توسعه ظرفیت‌های اقتصادی و تقویت هویت مکانی می‌شود (ریچاردز^۵، ۲۰۱۵).

همان‌طور که بیان شد، تحقیقات پیشین کمتر به مدلی از ویژگی‌های مؤثر محیط مسکونی بر احساس هویت مکانی اشاره داشته‌اند. به‌طوری‌که تحقیقات در خصوص ساختار مفهوم هویت مکانی و شناسایی ابعاد آن دچار سردرگمی بوده است (پنگ، استریجکر و وو^۶، ۲۰۲۰؛ سیمن و گیل^۷، ۲۰۱۶؛ دروسلتیس و ویگنولز، ۲۰۱۰؛ ریموند، براون و وبر^۸، ۲۰۱۰). متخصصان، برطرف

1. Stead & Dominy

2. Narrative

3. Schlitte

4. Events

5. Richards

6. Peng, Strijker & Wu

7. Seamon & Gill

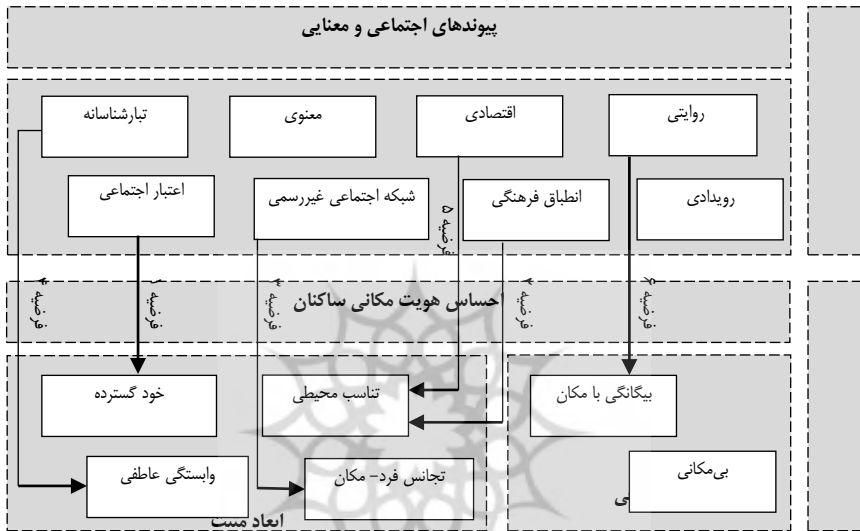
8. Raymond, Brown & Weber

شدن این مشکلات را در گرو تلاش برای قابلیت عملیاتی شدن این مفهوم و تولید سنجه‌های قابل اندازه‌گیری دانسته‌اند (سیمن و گیل، ۲۰۱۶؛ لویکا، ۲۰۱۱). از طرفی، تاکنون اغلب تحقیقاتی که در زمینه هویت انجام گرفته، از جانب مکان صورت گرفته، در حالی که هویت امری مرتبط با ادراک انسان است (راپاپورت، ۲۰۱۶؛ دامیار، ۱۳۹۳). این مسائل، لزوم انجام تحقیقات نظری و تجربی در زمینه هویت مکانی مبتنی بر ادراک انسان از مکان و ابعاد و مؤلفه‌های دخیل در شکل‌گیری آن، به‌ویژه در کشور ایران را افزایش می‌دهد (پورجعفر، ایزدی و خبیری، ۱۳۹۴؛ وحیدا و نگینی، ۱۳۹۱). از طرفی، بررسی پیشینه پژوهش نشان داد که پیوندهای اجتماعی و معنایی در شکل‌گیری هویت مکانی اهمیت بسزایی دارد؛ لیکن جهت بررسی جامع و نظام‌مند همبستگی پیوندهای اجتماعی و معنایی با احساس هویت مکانی در محله‌های مسکونی و دستیابی به مدلی تجربی از تأثیرگذاری ابعاد و مؤلفه‌های آن، خلأ قابل توجهی در پیشینه پژوهش وجود دارد.

در مقاله حاضر، دو هدف عمده دنبال شده است؛ نخست، به‌طور خلاصه ابعاد شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی و پیوندهای اجتماعی و معنایی ساکنان با محله در ادبیات موضوع، به‌صورت مدل نظری پژوهش تدوین شد. سپس تحلیل عامل اکتشافی جهت آزمون صحت مدل نظری صورت گرفت و توانایی تأثیر پیوندهای اجتماعی و معنایی بر شکل‌گیری احساس هویت مکانی ساکنان محله سپه از طریق مدلی روابط علی و تحلیل مسیر تبیین شد. این اهداف به‌دنبال طرح مسئله اساسی تحقیق است؛ پیوندهای اجتماعی و معنایی ساکنان با محله چه تأثیری بر احساس هویت مکانی آن‌ها دارد؟ مقاله حاضر به‌دنبال آن است که با فراهم آوردن مدلی تجربی از پیوندهای اجتماعی و معنایی مؤثر بر احساس هویت مکانی ساکنان، ضمن گسترش دانش نظری در زمینه هویت مکانی به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی، موجب شود تا برنامه‌ریزان و طراحان محله‌های مسکونی بتوانند با بهره‌گیری از جنبه‌های کاربردی این مدل جهت ارائه راهکارهای ارتقای احساس هویت مکانی ساکنان گام مثبتی بردارند. درمورد جنبه‌های نوآورانه پژوهش می‌توان بیان داشت، تاکنون در زمینه هویت مکانی و یا تعلق مکانی مطالعات زیادی انجام شده، لیکن درباره سازه روان‌شناختی احساس هویت مکانی در حوزه‌های میان‌رشته‌ای معماری و شهرسازی و روان‌شناسی به‌ویژه در داخل کشور مطالعات اندکی صورت گرفته است؛ بنابراین تدوین مدل نظری با متغیرهای موردنظر مقاله، طراحی پرسشنامه و بازساخت گویه‌ها و دستیابی به مدلی تجربی از هویت مکانی ساکنان محله سپه قزوین از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر بوده است.

با استناد به تحقیقات موردبررسی و بر پایه ماهیت روان‌شناختی مفهوم هویت مکانی، ۶ معیار شامل خود گسترده، تناسب محیطی، تجانس فرد-مکان، وابستگی عاطفی، بیگانگی با مکان و بی‌مکانی به‌عنوان ابعاد (مثبت و منفی) شکل‌گیری احساس هویت مکانی در محله‌های مسکونی شناسایی شدند. برای اندازه‌گیری این معیارها، در مجموع ۲۷ گویه از آزمون‌های روان‌شناسی و نظریه‌های مکان استخراج گردید. همچنین عوامل تأثیرگذار شامل پیوندهای اجتماعی و معنایی

فرد- محله شامل ۸ عامل و ۲۹ گویه برای سنجش آن‌ها تبیین شد. بنابراین، تمرکز مطالعه حاضر آن است که کدام‌یک از پیوندهای فرد با محل سکونت باعث شده است تا هویت خود را با آن محله تعریف نماید و میزان اثرگذاری هر کدام و نیز رابطه میان آن‌ها چگونه است. بنابراین، مدل نظری پژوهش از رابطه ابعاد هویت مکانی به‌عنوان متغیر وابسته و پیوندهای اجتماعی و معنایی به‌عنوان متغیرهای مستقل شکل گرفت (شکل ۱). جهت آزمون صحت مدل نظری، فرضیه‌ها از الگوی ارتباط میان متغیرهای اصلی پژوهش تدوین شد:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

- فرضیه ۱: بین اعتبار اجتماعی و خود گسترده ساکنان رابطه معناداری وجود دارد.
 فرضیه ۲: بین انطباق فرهنگی و تناسب محیطی ساکنان رابطه معناداری وجود دارد.
 فرضیه ۳: بین شبکه اجتماعی غیررسمی و تجانس مکانی ساکنان رابطه معناداری وجود دارد.
 فرضیه ۴: بین پیوندهای تبارشناسانه و وابستگی عاطفی ساکنان رابطه معناداری وجود دارد.
 فرضیه ۵: بین پیوندهای اقتصادی و تناسب محیطی ساکنان رابطه معناداری وجود دارد.
 فرضیه ۶: بین پیوندهای روایتی و بیگانگی ساکنان رابطه معناداری وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر به‌لحاظ نوع تحقیق، بنیادی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است. روش پژوهش، ترکیبی از کیفی و کمی و از نوع مطالعات پیمایشی و هم‌ستگی بر پایه تحلیل عامل اکتشافی، مدل‌یابی روابط علی و تحلیل مسیر است. در اولین قدم، نوشتار حاضر با مرور مطالعات پیشین، معیارهای شکل‌گیری احساس هویت مکانی و پیوندهای اجتماعی و معنایی

مؤثر بر ایجاد احساس هویت مکانی را موردشناسایی و دسته‌بندی قرار داده و به تعیین سنججهایی برای آزمون متغیرهای مورد مطالعه پرداخته است. سپس بر مبنای مدل نظری تحقیق و انتخاب محله سپه شهر قزوین به‌عنوان مورد مطالعاتی، با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخت، به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است که به دو صورت حضوری و یا آنلاین در زمستان سال ۱۳۹۹، در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. ملاک‌های ورود به تحقیق، سن (حداقل ۳۰ سال) و مدت‌زمان سکونت در محله سپه (حداقل ۱۰ سال) بوده‌اند که نداشتن شروط مذکور ملاک‌های خروج از آن پژوهش بوده است. البته با توجه به ماهیت روان‌شناختی اغلب سؤالات، اجرای درصد زیادی از آن در محله به‌صورت حضوری و با انجام توضیحات و به‌صورت مصاحبه‌های تکمیلی با اهالی و کسبه بوده است.

بر مبنای هدف پژوهش، مطالعه محله‌ای ضرورت داشت که از سابقه سکونت بالایی برخوردار بوده و در عین حال، میزانی از تکامل و ثبات را به‌لحاظ شکل‌گیری تجربه کرده باشد. بنابراین محله مورد مطالعه در این پژوهش، محله سپه شهر قزوین بوده است که تاریخچه و نام آن، به «خیابان قزوین» برمی‌گردد و از اقدامات عمرانی «شاه‌طهماسب» در فاصله سال‌های ۹۶۲-۹۶۳ ه.ق. در قزوین به شمار می‌رود (سخت‌دوست و البرزی، ۱۳۹۹، به نقل از دبیرسیاقی، ۱۳۸۲). امروزه محله سپه، با قرارگیری در مرکز شهر و ارتباط با بافت تاریخی، نقش حیاتی در زندگی شهر قزوین دارد. جامعه آماری پژوهش، ساکنان محله سپه شهر قزوین با جمعیت کنونی حدود ۲۲۴۵ نفر و ۵۶۶ خانوار بودند (جهاد دانشگاهی قزوین، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه جامعه آماری زیرطیقات زیادی نداشت، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. حجم نمونه بر اساس نظر کلاین^۱ (۲۰۱۲) که برای هر گویه ۲/۵ الی ۵ نفر را پیشنهاد می‌کند، با احتساب ۵ نفر برای هر گویه، ۲۸۰ نفر تعیین شد. بعد از رواسازی و تلخیص ابعاد و عوامل از طریق تحلیل عامل اکتشافی، داده‌ها مبتنی بر روش تحقیق همبستگی و مدل‌یابی روابط علی در نرم‌افزارهای *SPSS-26* و *Amos* تجزیه و تحلیل شدند و مدل تجربی نهایی پژوهش مبتنی بر روش آماری تحلیل مسیر به دست آمد.

ملاحظات اخلاقی: اگرچه ماهیت پژوهش حاضر غیرمداخله‌ای بود، در ابتدا به ساکنان و به‌ویژه کسبه توضیح داده شد که اختیار تام در شرکت کردن یا شرکت نکردن در این پژوهش را دارند و این اطمینان به آن‌ها داده شد که تمام داده‌های پژوهش صرفاً در اختیار محقق برای انجام پژوهش می‌باشد و در اختیار سازمان و یا اهداف دیگری غیر از پژوهش قرار نخواهد گرفت.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه احساس هویت مکانی (محقق‌ساخت): با توجه به هدف مقاله، مقیاس احساس هویت مکانی، عمدتاً بر اساس مقیاس‌هایی از جمله چن و سکر (۲۰۱۸)؛ ارباب و همکاران

(۱۳۹۴) و دروستلیس و ویگنولز (۲۰۱۰) طراحی شد، که در مجموع ۲۷ گویه است. هریک از گویه‌ها روی طیف ۴ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) ارزش‌گذاری شدند که ابعاد خود گسترده، تناسب محیطی، تجانس، وابستگی عاطفی، بیگانگی و بی‌مکانی را می‌سنجد و دامنه نمرات آن بین ۲۷ تا ۱۰۸ است. جهت بررسی پایایی ابزار، در مرحله پیش‌آزمون، تعداد ۴۰ پرسشنامه توسط جامعه آماری تکمیل و در نرم‌افزار *SPSS-26* بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ در این پرسشنامه (متغیر وابسته) $0/881$ است که نشان‌دهنده پایایی ابزار پژوهش است. روایی سازه نیز توسط تحلیل عامل اکتشافی صورت گرفت که وجود ۳ عامل این‌همانی، تناسب محیطی و بیگانگی را تأیید می‌کند؛ نتایج آن در ادامه و همچنین در جدول ۳ به تفصیل آورده شده است.

ب) پرسشنامه مربوط به پیوندهای اجتماعی و معنایی فرد-محلّه
(محقق‌ساخت): در این مورد ابزار ویژه‌ای از قبل وجود نداشت و بنابراین عمدتاً بر اساس مطالعاتی از جمله راپاپورت (۲۰۱۶)؛ لو (۲۰۱۶) و کراس (۲۰۱۵) طراحی و ساخته شد که شامل ۲۹ سؤال بسته-پاسخ با ترکیبی از ۸ سؤال ۲ گزینه‌ای (بله و خیر) و ۲۱ سؤال با طیف ۴ تایی لیکرت (از خیلی زیاد تا خیلی کم) است. این ابزار پیوندهای اجتماعی و معنایی فرد و مکان را در ۸ زیرمقیاس تبارشناسانه، اقتصادی، شبکه اجتماعی، اعتبار اجتماعی، انطباق فرهنگی، روایتی، معنوی و رویدادی می‌سنجد و دامنه نمرات آن بین ۲۱ تا ۹۲ است. جهت بررسی پایایی ابزار، در مرحله پیش‌آزمون، تعداد ۴۰ پرسشنامه توسط جامعه آماری تکمیل و در نرم‌افزار *SPSS-26* بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه (متغیرهای مستقل)، $0/951$ است که نشان‌دهنده پایایی قابل توجه ابزار پژوهش است. روایی سازه نیز توسط تحلیل عامل اکتشافی صورت گرفت که وجود ۶ عامل انطباق اجتماعی-فرهنگی، اعتبار اجتماعی، خاطره‌ای-رویدادی، معنوی، اقتصادی و تاریخی-روایتی را تأیید می‌کند و نتایج آن در جدول ۳ به تفصیل آورده شده است. در نهایت به‌وسیله پرسشنامه‌ای با ۵۶ گویه، داده‌ها گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار *SPSS-26* تحلیل شدند. شکل ۲، خلاصه‌ای از مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

خود گسترده	تناسب محیطی	تجانس	وابستگی عاطفی	بیگانگی با مکان	بی‌مکانی
۱. محله بخشی از وجود فرد ۲. محله نشان‌دهنده کیستی فرد ۳. حس فقدان به‌علت از بین رفتن محله ۴. حس فقدان به‌علت نقل مکان	۵. جایی مناسب و درخور زندگی فرد ۶. برآوردن نیازها ۷. عدم قابلیت مقایسه ۸. وقت گذراندن ۹. وجود محله‌های بهتر	۱۰. نشان‌دهنده شخصیت و ذات فرد ۱۱. نشان‌دهنده ارزش‌های اخلاقی و عقاید شخصی ۱۲. «اهل محله سپه» بودن	۱۳. دل‌بستگی عمیق ۱۴. علاقه ۱۵. حس آرامش ۱۶. دل‌تنگی ۱۷. نزدیک شدن به «اصل و ریشه» ۱۸. احساس «در خانه بودن» ۱۹. تمایل به ماندن ۲۰. رضایت‌مندی	۲۱. غریبگی و ناشناختی ۲۲. عدم تعلق خاطر ۲۳. نارضاقتی ۲۴. اجبار به ماندن در محله	۲۵. بی‌تفاوتی ۲۶. بی‌ارزشی ۲۷. عدم احساس مسئولیت

تبارشناسانه	اقتصادی	شبکه اجتماعی	اعتبار اجتماعی	انطباق فرهنگی	روایتی	معنوی	رویدادی
۲۸. محل تولد ۲۹. گذراندن دوران کودکی ۳۰. رابطه خانوادگی یا اجدادی ۳۱. وجود اقوام	۳۲. مالکیت خانه و یا زمین ۳۳. مالکیت مغازه (واحد تجاری) ۳۴. محل کار ۳۵. وابستگی اقتصادی خانواده	۳۶. روابط با دوستان و آشنایان ۳۷. وجود روابط همسایگی ۳۸. همدلی و همبستگی ۳۹. مشارکت	۴۰. جایگاه اجتماعی مطلوب محله ۴۱. همگنی اجتماعی ساکنان ۴۲. بومی بودن افراد محله ۴۳. شناخته شدن توسط سایر ساکنان	۴۴. تطابق با سبک زندگی ۴۵. سازگاری با آداب و رسوم ۴۶. تطابق با ارزش‌های اخلاقی و عقاید مذهبی ۴۷. شباهت به محله ایده‌آل ذهنی	۴۸. آشنایی با تاریخچه محله ۴۹. آشنایی با پیشینه نام محله ۵۰. دانستن داستان‌ها و روایت‌ها راجع به محله	۵۱. وجود مکان‌های مقدس ۵۲. وجود مقبره‌ها ۵۳. وجود آثار و بناهای تاریخی	۵۴. برگزاری مراسم مذهبی و آئینی ۵۵. یادآور خاطرات تلخ و شیرین ۵۶. یادآور رویدادها و اتفاقات تاریخی و سیاسی

شکل ۲. مدل اندازه‌گیری ابعاد و مؤلفه‌های موردسنجش پرسشنامه‌ها

جهت رواسازی ابزارهای اندازه‌گیری و اینکه آیا این ابعاد به‌صورت تجربی نیز، سازه هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن را تبیین می‌کنند، از روایی سازه استفاده شد. جهت بررسی اینکه مواد پرسشنامه‌ها از چند عامل مهم و معنی‌دار تشکیل شده است، تحلیل عامل اکتشافی، با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش متعامد واریماکس در نرم‌افزار *SPSS-26* انجام شد. هدف از تحلیل عامل اکتشافی، کشف ساختار یک مجموعه از متغیرها و دستیابی به ابعاد پنهان در متغیرهای اساسی است (وانکینز^۱، ۲۰۱۸). برای بررسی کفایت حجم نمونه از آزمون «کی ام او»^۲ استفاده شد، که عدد $0/953$ به دست آمد (یعنی بالاتر از $0/6$)، بنابراین کفایت نمونه‌گیری را نشان می‌دهد. همچنین شرط معنی‌داری برای انجام تحلیل عامل از طریق آزمون کرویت بارتلت^۳ صورت گرفت. تحلیل عاملی زمانی مناسب است که سطح معنی‌داری آزمون کوچک‌تر از

1. *Watkins*
2. *KMO*
3. *Bartlett's test of sphericity*

۰/۰۵ باشد (واتکینز، ۲۰۱۸). سطح معنی‌داری آزمون در پژوهش حاضر، صفر است یعنی بین متغیرها ارتباط وجود دارد و تحلیل عاملی قابل انجام است (جدول ۱).

جدول ۱. آزمون کی ام او و کرویت بارتلت برای کفایت حجم نمونه

میزان کیزر-میر-اولکین برای کفایت نمونه	کای اسکوئر تقریبی	۰/۹۵۳
آزمون کرویت بارتلت	کای اسکوئر تقریبی	۱۳۶۰۰/۸۶۱
	درجه آزادی	۱۵۴۰
	معناداری	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل عامل اکتشافی، وجود ۱۰ عامل را در مجموع ۵۶ گویه (پرسشنامه الف و ب) نشان می‌دهد که درصد تجمعی آن‌ها ۷۲/۷۴۱ درصد است (جدول ۲)، این بدان معناست که پرسشنامه‌ها توانسته‌اند حدود ۷۳ درصد تفکر مشترک پاسخ‌دهندگان را به خود جلب کنند و ۲۷ درصد آن ناشی از تفکرات و گرایش‌های فردی پاسخ‌دهندگان بوده است.

جدول ۲. مقدار کل واریانس تبیین شده برای ۱۰ عامل

مجموع مجذورات بارهای استخراج شده قبل از چرخش			مجموع مجذورات بارهای استخراج شده بعد از چرخش		
مجموع	درصد	واریانس تراکمی برحسب	مجموع	درصد	واریانس تراکمی برحسب
۲۴/۷۳۶	۴۴/۱۷۱	واریانس برحسب	۸/۱۲۹	۱۴/۵۱۶	واریانس برحسب
۳/۰۷۹	۵/۴۹۸	درصد	۶/۴۷۹	۱۱/۵۷۰	درصد
۲/۷۰۲	۴/۸۲۵	مجموع	۵/۰۲۶	۸/۹۷۵	مجموع
۲/۲۴۱	۴/۰۰۳	درصد	۳/۹۶۰	۷/۰۷۲	درصد
۱/۸۲۰	۳/۲۵۱	واریانس تراکمی برحسب	۳/۴۴۰	۶/۱۴۳	واریانس تراکمی برحسب
۱/۴۱۶	۲/۵۲۸	درصد	۳/۱۸۱	۵/۶۸۱	درصد
۱/۳۰۴	۲/۲۳۸	مجموع	۳/۱۱۹	۵/۵۷۰	مجموع
۱/۲۰۸	۲/۱۵۸	درصد	۳/۰۸۳	۵/۵۰۵	درصد
۱/۱۸۰	۲/۱۰۸	واریانس تراکمی برحسب	۲/۸۶۹	۵/۱۲۳	واریانس تراکمی برحسب
۱/۰۴۸	۱/۸۷۲	درصد	۱/۴۴۸	۲/۵۸۶	درصد

به کمک ماتریس داده‌های چرخش داده شده و بار عاملی هر کدام از آن‌ها می‌توان به شناسایی متغیرهای تشکیل دهنده هر عامل پرداخت و مشخص نمود کدام یک از گویه‌ها باعث

ایجاد هریک از عامل‌ها شده‌اند. هر متغیری که بار عاملی آن بزرگ‌تر از $0.30 \pm$ باشد، معنادار تلقی شده و در دسته آن عامل قرار می‌گیرد. بنابراین، از مجموع ۱۰ عامل، ۹ عامل آن معنی‌دار بودند و گویه‌های شماره ۳۰ و ۳۱ در عامل دهم حذف شدند. پیدا کردن معنای هر عامل، از طریق شناسایی مفهوم اصلی گویه‌های موجود در آن استخراج شد و برخی نام‌گذاری‌ها نسبت به مدل نظری تغییر یافت. این عوامل که در واقع ابعاد شکل‌گیری احساس هویت مکانی و پیوندهای اجتماعی و معنایی را به‌صورت تجربی در محله سپه مشخص می‌کنند، عبارت‌اند از: «این‌همانی»، «تناسب محیطی» و «بیگانگی» در بخش متغیر وابسته؛ و «انطباق اجتماعی- فرهنگی»، «اعتبار اجتماعی»، «خاطره‌ای- رویدادی»، «معنوی»، «اقتصادی» و «تاریخی- روایتی» در بخش متغیرهای مستقل (جدول ۳).

جدول ۳. ابعاد و مؤلفه‌های موضوع مبتنی بر تحلیل عامل اکتشافی

پرسشنامه	شماره گویه‌ها	عامل	گویه‌ها (مؤلفه‌های هر عامل)	مفهوم اصلی	عامل
الف	۲-۱-۳	اول	حس فقدان به‌علت از بین رفتن محله، فرد، محله را بخشی از وجود خویش و این‌همانی محله بخشی از وجود فرد نشان‌دهنده نشان‌دهنده هویت و شخصیت خود	حس فقدان به‌علت از بین رفتن محله، فرد، محله را بخشی از وجود خویش و این‌همانی محله بخشی از وجود فرد نشان‌دهنده نشان‌دهنده هویت و شخصیت خود	اول
	۱۳-۱۶		کیستی فرد، حس دل‌تنگی، دل‌بستگی می‌داند، بنابراین با آن احساس تجانس عمیق، احساس «در خانه بودن»، حس و وابستگی عاطفی عمیقی می‌کند.		
	۱۴-۴-۱۸		فقدان به‌علت نقل مکان، علاقه‌مندی، این موضوع سبب می‌شود تا فرد با نزدیک شدن به اصل و ریشه، حس محله احساس همانندی کند.		
	۱۵-۱۷		آرامش، «اهل محله سپه» بودن، نشان‌دهنده شخصیت و ذات فرد، نشان‌دهنده ارزش‌های اخلاقی، عدم		
	۱۰-۱۲		قابلیت مقایسه، جایی مناسب زندگی		
	۵-۷-۱۱		برآوردن نیازها، تمایل به وقت فرد، زندگی در محله را متناسب با نوع تناسب گذراندن، عدم وجود محله‌های بهتر، عملکردهای موردنیاز خود ارزیابی محیطی رضایتمندی، شباهت به محله ایده‌آل می‌کند.		
	۲۷-۲۶	سوم	بی‌ارزشی، عدم احساس مسئولیت، فرد احساس غریبگی و ناآشنایی را بیگانگی بی‌تفاوتی، عدم تعلق خاطر، غریبگی و تجربه می‌کند و تمایل دارد محله را ناآشنایی، نارضایتی، اجبار به ماندن ترک کند، عدم رضایت و بی‌مسئولیتی نسبت به محله را احساس می‌کند.		
	۲۲-۲۵				
	۲۴-۲۳-۲۱				
	۳۷-۲۰-۱۹	دوم			
ب	۳۷-۳۶	چهارم	روابط با دوستان، روابط همسایگی، روابط دوستی و همسایگی و تطابق با انطباق سازگاری با آداب و رسوم، تطابق با ارزش‌های فرهنگی و عقیدتی، سبب اجتماعی- ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، سبک ایجاد این پیوند با محله است.	روابط با دوستان، روابط همسایگی، روابط دوستی و همسایگی و تطابق با انطباق سازگاری با آداب و رسوم، تطابق با ارزش‌های فرهنگی و عقیدتی، سبب اجتماعی- ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، سبک ایجاد این پیوند با محله است.	چهارم
	۴۶-۴۵				
	۴۳-۴۴				
			زندگی و شناخته شدن		

۴۱-۴۲- پنجم	همگنی اجتماعی ساکنان، بومی بودن کسب اعتبار و شأن اجتماعی از طریق اعتبار افراد محله، مشارکت، همدلی و جایگاه مطلوب اجتماعی محله و اجتماعی همبستگی، جایگاه اجتماعی مطلوب همگنی اجتماعی ساکنان به‌لحاظ محله	روانی تأثیر مثبتی بر فرد دارد.
۲۸-۲۹- ششم	محل تولد، گذراندن دوران کودکی، محل زادگاه فرد و گذراندن دوران خاطره‌ای- یادآور خاطرات تلخ و شیرین گذشته، کودکی، یادآور خاطرات فردی و رویدادی یادآور رویدادها و اتفاقات سیاسی	جمعی گذشته و رویدادهای تاریخی است که اتصال فرد با سابقه محیطی خود را فراهم می‌آورد.
۵۱-۵۲- هفتم	وجود مکان‌های مقدس، وجود اهمیت وجود مکان‌های مقدس، معنوی مقبره‌ها، برگزاری مراسم آئینی و مراسم مذهبی و حتی آثار و بناهای مذهبی، وجود آثار و بناهای تاریخی	تاریخی نوعی پیوند معنوی و روحانی نسبت به محله را در فرد ایجاد می‌کند.
۳۳-۳۴- هشتم	محل کار، مالکیت مغازه (واحد وابستگی‌های مالی مانند درآمد اقتصادی تجاری)، وابستگی اقتصادی خانواده، خانواده، وجود محل کار و یا میراث مالکیت خانه و یا زمین	گذشتگان باعث می‌شود محله اهمیت اقتصادی برای فرد پیدا کند.
۴۹-۵۰-۴۸- نهم	آشنایی با پیشینه نام محله، دانستن آشنایی با تاریخچه محله و دانستن تاریخی- روایت‌ها و داستان‌ها راجع به محله و داستان‌ها و روایت‌هایی که به‌صورت روایتی آشنایی با تاریخچه محله	نسل به نسل منتقل شده‌اند، سبب ایجاد پیوند تاریخی با محله است.

یافته‌ها

آمار توصیفی در جدول ۴، شاخص‌های نمرات آزمون را نشان می‌دهد. محاسبه ضریب مقبولیت و اهمیت برای هریک از عوامل نشان می‌دهد که پیوندهای معنوی بیشترین و پیوندهای اقتصادی کمترین میزان مقبولیت را در میان ساکنان محله سپه دارند.

جدول ۴. آمار توصیفی و ضرایب مقبولیت و اهمیت هریک از عوامل

عوامل	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	ضریب مقبولیت	ضریب اهمیت
این‌همانی	۲۸۰	۱۵/۰۰	۶۰/۰۰	۴۳/۹۶۷۹	۱۱/۰۵۲۹۴	۰/۷۳۲	۰/۱۸۴
تناسب محیطی	۲۸۰	۶/۰۰	۲۴/۰۰	۱۵/۵۱۷۹	۳/۶۷۹۸۰	۰/۶۴۶	۰/۱۵۳
بیگانگی	۲۸۰	۷/۰۰	۲۸/۰۰	۱۲/۸۷۵۰	۵/۴۶۷۶۱	۰/۴۵۹	۰/۱۹۵
انطباق اجتماعی- فرهنگی	۲۸۰	۶/۰۰	۲۴/۰۰	۱۷/۲۱۴۳	۴/۷۹۶۶۳	۰/۷۱۷	۰/۱۹۹

۰/۱۶۵	۰/۷۱۶	۳/۳۰۸۵۷	۱۴/۳۳۲۱	۲۰/۰۰	۵/۰۰	۲۸۰	اعتبار اجتماعی
۰/۲۳۷	۰/۷۱۸	۲/۳۷۶۹۷	۷/۱۸۵۷	۱۰/۰۰	۲/۰۰	۲۸۰	خاطره‌ای- رویدادی
۰/۱۸۳	۰/۸۱۱	۲/۹۳۷۷۹	۱۲/۹۸۵۷	۱۶/۰۰	۴/۰۰	۲۸۰	معنوی
۰/۱۹۵	۰/۱۸۴	۱/۵۶۰۹۸	۱/۴۷۵۰	۸/۰۰	۰/۰۰	۲۸۰	اقتصادی
۰/۲۰۱	۰/۷۲۰	۲/۴۲۱۷۴	۸/۶۴۲۹	۱۲/۰۰	۳/۰۰	۲۸۰	تاریخی- روایتی

ماتریس ضرایب همبستگی نشان می‌دهد تمامی پیوندهای اجتماعی و معنایی دارای رابطه معنی‌داری با احساس هویت مکانی هستند (جدول ۵). از میان آن‌ها، انطباق اجتماعی- فرهنگی بیشترین همبستگی را با احساس هویت مکانی در بعد این‌همانی دارد. این بدان معناست که روابط با دوستان و آشنایان، روابط همسایگی، سازگاری با آداب‌ورسوم، تطابق با ارزش‌های اخلاقی و عقاید مذهبی، تطابق با سبک زندگی و شناخته شدن توسط سایر ساکنان موجب می‌شود تا فرد محله را از نظر شناختی به‌عنوان بخشی از وجود خویش حس کند. از طرفی، پیوندهای اقتصادی کمترین همبستگی را با احساس هویت مکانی در بعد بیگانگی با مکان دارند، که وجود محل کار، مالکیت مغازه (واحد تجاری)، وابستگی اقتصادی خانواده و یا مالکیت زمین و خانه به‌تنهایی نمی‌تواند حس آشنایی را در فرد ایجاد کند و نسبت به زندگی در محله حس رضایتمندی و ارزشمندی را در او تقویت نماید.

جدول ۵. ماتریس ضرایب همبستگی

متغیرها	این‌همانی	تناسب محیطی	بیگانگی با مکان	انطباق اجتماعی- فرهنگی	اعتبار خاطرهای- رویدادی اجتماعی	معنوی اقتصادی	تاریخی- روایتی
این‌همانی	۱						
تناسب محیطی	**-.۰/۸۳۷	۱					
بیگانگی با مکان	**-.۰/۱۶۰	**-.۰/۶۷۷	۱				
انطباق اجتماعی- فرهنگی	**-.۰/۱۸۵	**-.۰/۷۸۴	**-.۰/۵۶۸	۱			
اعتبار اجتماعی	**-.۰/۵۹۰	**-.۰/۵۹۷	**-.۰/۵۴۹	**-.۰/۶۷۴	۱		
خاطره‌ای- رویدادی	**-.۰/۵۹۵	**-.۰/۴۹۳	**-.۰/۵۰۸	**-.۰/۵۹۴	**-.۰/۴۹۱	۱	
معنوی	**-.۰/۵۵۶	**-.۰/۵۳۶	**-.۰/۵۵۳	**-.۰/۵۸۲	**-.۰/۶۴۹	**-.۰/۵۵۸	۱
اقتصادی	**-.۰/۳۱۹	**-.۰/۱۳۰	**-.۰/۱۲۴	**-.۰/۴۴۲	**-.۰/۳۳۱	**-.۰/۲۷۲	**-.۰/۳۱۳
تاریخی- روایتی	**-.۰/۵۸۶	**-.۰/۵۳۴	**-.۰/۵۱۶	**-.۰/۵۶۱	**-.۰/۵۲۳	**-.۰/۵۵۸	**-.۰/۳۲۴

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

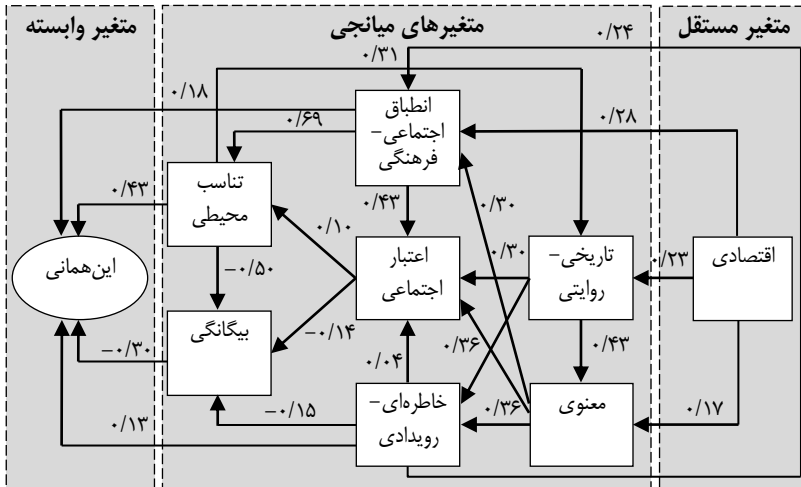
جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده متغیرهای برون‌زا و میزان اثر مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها بر متغیر درون‌زا، تحلیل مسیر به کار گرفته شد. پس از اجرای آن در نرم‌افزار Amos، مدل

تجربی اولیه پژوهش به دست آمد که طبق آن، عوامل اقتصادی و خاطره‌ای-رویدادی رابطه معناداری با اعتبار اجتماعی نداشتند. عوامل تاریخی-روایتی نیز رابطه معناداری با انطباق اجتماعی-فرهنگی نداشتند. با توجه به ارجحیت مبانی نظری، تأثیر عوامل خاطره‌ای-رویدادی بر اعتبار اجتماعی در مدل اصلی وارد شد و دو رابطه بی‌معنی دیگر حذف گردید و مدل با توجه به شاخص‌های پیشنهادی اصلاح شد. در نهایت شاخص‌های برازندگی مدل طبق جدول ۶، با شروط سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ و نسبت خی‌دو به درجه آزادی کمتر از ۲، نشان‌دهنده برازندگی مدل هستند.

جدول ۶. شاخص‌های برازندگی مدل

مدل	تعداد پارامترها	فرد	درجه آزادی	معنی‌داری سطح	خی‌دو/درجه آزادی	برازش تطبیقی	نیگامی برازش	برآورد	مربعات خطای	ریشه میانگین	نتیجه‌گیری
مدل فرضی	۳۱	۱۹/۲۸۲	۱۴	۰/۱۵۴	۱/۳۷۷	۰/۹۹۷	۰/۹۸۵	۰/۰۳۷	۰/۰۳۷	۰/۰۳۷	تأیید مدل
مدل اشباع‌شده	۴۵	۰/۰۰۰	۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۴۰۲	۰/۴۰۲	۰/۴۰۲	تأیید مدل
مدل مستقل	۹	۱۶۶۰/۰۴۴	۳۶	۰/۰۰۰	۴۶/۱۱۲	۰/۰۰۰	۰/۲۸۹	۰/۲۸۹	۰/۲۸۹	۰/۲۸۹	تأیید مدل

مدل تجربی نهایی پژوهش (شکل ۳)، نشان‌دهنده آن است که انطباق اجتماعی-فرهنگی بیشترین اثر مستقیم را با مقدار ۰/۶۹ بر تناسب محیطی دارد ($P < 0/01$). سپس، پیوندهای خاطره‌ای-رویدادی و اعتبار اجتماعی بیشترین تأثیر مستقیم را بر ابعاد شکل‌گیری احساس هویت مکانی دارند. پیوندهای اقتصادی، تاریخی-روایتی و معنوی در ایجاد احساس هویت مکانی تأثیر مستقیم ندارند. از میان تناسب محیطی و بیگانگی، سهم تناسب محیطی با مقدار ۰/۴۳، در ایجاد این‌همانی با مکان بیشتر است ($P < 0/01$). تناسب محیطی نیز سهم زیادی با مقدار ۰/۵۰ و به‌صورت منفی در ایجاد بیگانگی با مکان ایفا می‌کند ($P < 0/01$). از میان پیوندهای اجتماعی-معنایی، پیوندهای معنوی بیشترین تأثیرگذاری غیرمستقیم را بر احساس هویت مکانی ساکنان دارد. بعد از آن، پیوندهای تاریخی-روایتی، انطباق اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و اعتبار اجتماعی بیشترین تأثیر غیرمستقیم را بر احساس هویت مکانی دارند.



شکل ۳: مدل تجربی نهایی پژوهش با استفاده از ضرایب مسیر

جدول ۷، میزان تأثیرات کلی، مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را در دو بخش وزن‌های رگرسیونی و استاندارد نشان می‌دهد. بررسی میزان اثرگذاری مدل بر هریک از عوامل پژوهش نشان می‌دهد، پیوندهای اجتماعی-معنایی، در حدود ۸۰ درصد از تغییرات این‌همانی ساکنان را تبیین می‌کند و ۱۹ درصد باقیمانده به عواملی نسبت داده می‌شود که خارج از مدل هستند و در این پژوهش به آن‌ها پرداخته نشده است.

جدول ۷. میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها

تأثیر متغیرها	وزن‌های رگرسیونی		تأثیرات استاندارد		تأثیر کلی	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	تأثیر خطای
	تأثیر کلی	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کلی	تأثیر مستقیم				
اقتصادی <---	۰/۵۰۵	*۰/۳۵۰	۰/۲۲۵	۰/۲۲۶	۰/۱۵۴	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	۰/۰۸۳
اقتصادی <---	۱/۳۱۷	*۰/۸۶۳	۰/۴۳۰	۰/۲۸۲	۰/۴۵۵	۰/۱۴۸	۰/۱۴۳	۰/۱۴۳
اقتصادی <---	۰/۵۹۱	*۰/۳۲۶	۰/۳۱۴	۰/۱۷۳	۰/۲۶۵	۰/۱۴۱	۰/۰۹۸	۰/۰۹۸
اعتبار اجتماعی <---	۰/۳۳۰	۰/۲۳۸	۰/۰۹۳	۰/۱۴۴	۰/۰۹۳	۰/۰۵۶	۰/۰۸۹	۰/۰۸۹
خاطره‌های-رویدادی <---	۰/۶۲۱	۰/۳۳۵	۰/۲۸۶	۰/۱۴۶	۰/۲۷۱	۰/۱۲۵	۰/۱۲۱	۰/۱۲۱
تناسب محیطی <---	۰/۸۴۴	۰/۷۴۳	۰/۱۰۱	۰/۵۰۱	۰/۵۶۹	۰/۶۰۸	۰/۰۸۰	۰/۰۸۰
تناسب محیطی <---	۱/۹۸۲	*۱/۲۸۰	۰/۷۰۲	۰/۴۲۶	۰/۶۶۰	۰/۲۳۴	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲
بیگانگی <---	۰/۶۰۹	۰/۶۰۹	۰/۰۰۰	۰/۳۰۱	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۷۶	۰/۰۷۶

تأثیر متغیرها	وزن‌های رگرسیونی					تأثیر متغیرها		
	تأثیر کلی	تأثیر غیرمستقیم کلی	تأثیر مستقیم غیرمستقیم	تأثیر کلی	تأثیر مستقیم غیرمستقیم			
خطراهی- رویدادی <---	۱/۶۱۷	۰/۶۲۲	**	۰/۹۹۵	۰/۳۴۹	۰/۱۳۴	۰/۲۱۵	۰/۱۵۳
انطباق اجتماعی- فرهنگی <---	۱/۵۶۸	۰/۴۱۵	**	۱/۱۵۳	۰/۶۸۰	۰/۱۸۰	۰/۵۰۰	۰/۱۰۴
تاریخی- روایتی <---	۰/۵۵۹	۰/۵۲۵	**	۰/۰۲۴	۰/۴۶۰	۰/۴۳۳	۰/۰۲۸	۰/۰۶۷
تاریخی- روایتی <---	۰/۴۹۸	۰/۳۱۳	**	۰/۱۸۵	۰/۵۰۷	۰/۳۱۹	۰/۱۸۸	۰/۰۵۶
انطباق اجتماعی- فرهنگی <---	۰/۳۴۷	۰/۳۰۱	**	۰/۰۴۷	۰/۵۰۲	۰/۴۳۵	۰/۰۶۸	۰/۰۳۶
انطباق اجتماعی- فرهنگی <---	۰/۵۹۶	۰/۵۲۷	**	۰/۰۶۹	۰/۷۷۶	۰/۶۸۶	۰/۰۹۰	۰/۰۳۹
اعتبار اجتماعی <---	۰/۱۱۷	۰/۱۱۰	*	۰/۰۰۷	۰/۱۰۵	۰/۰۹۹	۰/۰۰۶	۰/۰۵۶
خطراهی- رویدادی <---	۰/۳۲۶	۰/۰۵۵	ns	۰/۱۷۱	۰/۱۶۳	۰/۰۴۰	۰/۱۳۳	۰/۰۷۱
خطراهی- رویدادی <---	۰/۵۲۱	۰/۴۹۲	**	۰/۰۲۹	۰/۲۵۹	۰/۲۴۵	۰/۰۱۵	۰/۱۱۰
خطراهی- رویدادی <---	۰/۳۳۶	۰/۳۹۵	**	۰/۰۴۱	۰/۴۱۵	۰/۳۶۵	۰/۰۵۰	۰/۰۴۵
خطراهی- رویدادی <---	۰/۶۸۰	۰/۴۹۳	**	۰/۱۸۷	۰/۴۱۸	۰/۳۰۳	۰/۱۱۵	۰/۰۹۱
خطراهی- رویدادی <---	۰/۶۵۵	۰/۴۱۴	**	۰/۲۴۲	۰/۵۸۳	۰/۳۶۸	۰/۲۱۵	۰/۰۵۹
تناسب محیطی <---	۰/۲۱۴	۰/۲۰۲	**	۰/۰۱۳	۰/۲۲۵	۰/۳۰۶	۰/۰۲۰	۰/۰۴۰

** $P < 0/01$; * $P < 0/05$; ns $P > 0/05$ (سطح معنی‌داری = P)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه پیوندهای اجتماعی و معنایی با احساس هویت مکانی ساکنان در محله‌های مسکونی با مورد مطالعاتی محله سپه شهر قزوین بود. بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، «این‌همانی» و «تناسب محیطی» به‌عنوان وجوه مثبت شکل‌گیری هویت مکانی در محله سپه و «بیگانگی» به‌عنوان وجه منفی آن شناسایی شد. بنابراین در محله سپه، معیارهای خود گسترده، تجانس فرد- مکان و وابستگی عاطفی در عامل این‌همانی ادغام شدند. این یافته پژوهش هم‌سو با پژوهش‌هایی از جمله تانج و همکاران (۲۰۱۵) و دروسلتیس و ویگنولز (۲۰۱۰) است که عامل خود گسترده و تعلق جمعی در سایر عوامل ادغام شدند. این یافته تحقیق نشان می‌دهد ابعاد اجتماعی و عملکردی محله، هر دو در شکل‌گیری هویت مکانی ساکنان محله سپه نقش مهمی ایفا می‌کنند. همچنین، بیگانگی به‌عنوان یکی از ابعاد منفی شکل‌گیری هویت مکانی ساکنان محله سپه شناسایی شد که طبق مدل تجربی، علت این امر را می‌توان عدم سازگاری فرد

با مکان، عدم وجود خاطره‌انگیزی و یا ناتوانی در کسب اعتبار و شأن اجتماعی دانست. پیوندهای اجتماعی و معنایی فرد با محله که طبق ادبیات موضوع و مدل نظری شامل ۸ عامل بود، به‌صورت ۶ عامل از جمله «انطباق اجتماعی - فرهنگی»، «اعتبار اجتماعی»، «خاطره‌ای - رویدادی»، «معنوی»، «اقتصادی» و «تاریخی - روایتی» تبیین شد. با توجه به مبانی نظری، ۶ فرضیه مطرح شده بود که در اینجا به شرح نتایج آن‌ها بر اساس مدل تجربی پژوهش و تحلیل مسیرها پرداخته می‌شود.

در مورد فرضیه اول پژوهش، تحلیل مسیرهای مدل نشان می‌دهد که اعتبار اجتماعی بر این‌همانی تأثیر غیرمستقیم دارد. عامل خود گسترده در تحلیل عامل زیرمجموعه عامل این‌همانی قرار گرفت. مدل تجربی نشان می‌دهد مؤلفه‌های همگنی اجتماعی ساکنان، بومی بودن افراد محله، مشارکت، همدلی و همبستگی و جایگاه اجتماعی مطلوب محله به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت بر تناسب محیطی و تأثیر منفی بر بیگانگی مکانی، بر این‌همانی مؤثر است. علت این موضوع آن است که کسب اعتبار و تأیید اجتماعی، باعث می‌شود ساکنان محله را بخشی از وجود خویش احساس کنند و هر بازخوردی از محیط محله را به هویت خویش نیز تعمیم دهند. طبق پژوهش هامن (۲۰۱۶)، ساکنان خود را بر اساس قضاوت اجتماعی سایرین ارزیابی می‌کنند. این نتایج هم‌سو با تحقیقات پیشین از جمله کاظمینی و همکاران (۱۳۹۹)؛ یوچنگ و ذکریا (۲۰۱۵)؛ پوردیهیمی و نورتقانی (۱۳۹۲)؛ دروسلتیس و ویگنولز (۲۰۱۰) و رولرو و دی پیکولی (۲۰۱۰) است. در مورد فرضیه دوم پژوهش، نتایج مدل نشان می‌دهد انطباق اجتماعی - فرهنگی بر تناسب محیطی تأثیر مستقیم دارد. ترکیب دو عامل شبکه اجتماعی غیررسمی و انطباق فرهنگی در مدل نظری در جریان تحلیل عامل اکتشافی، انطباق اجتماعی - فرهنگی نام گرفت. این موضوع نشان می‌دهد روابط با دوستان و آشنایان و روابط همسایگی و همچنین انطباق با خصوصیات فرهنگی مانند سازگاری با آداب و رسوم، تطابق با ارزش‌های اخلاقی و عقاید مذهبی، تطابق با سبک زندگی و شناخته شدن توسط سایر ساکنان عوامل بسیار مهمی در ایجاد تناسب و سازگاری ساکنان با محیط محله است. این موضوع از طریق رفع نیازها و انتظارات ساکنان، باعث می‌شود فرد تمایل یابد اکثر اوقات خود را در محله بگذراند. در این حالت فرد نمی‌تواند به‌لحاظ ذهنی محله دیگری را به‌عنوان جایگزین محل سکونت خویش تصور کند و این حس رضایتمندی فردی سبب می‌شود محله سکونت خویش را برای زندگی ایده‌آل بداند. علت این امر وجود روابط با اجتماع محلی و عدم تناقض مکان با تصورات و عقاید منبعث از ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی او است که میزان سازگاری فرد را در محیط سکونت او افزایش می‌دهد. برناردو و پالما-الیورا (۲۰۱۶)، نیاز به تمایز اجتماعی با سایر محله‌ها و شباهت با هم‌محله‌ای‌ها را در ایجاد احساس هویت مکانی مطرح کردند. این نتایج هم‌سو با تحقیقات پیشین از جمله لو (۲۰۱۶)؛ افشاری و همکاران (۱۳۹۴)؛ جوادی و همکاران (۱۳۹۴)؛ یوچنگ (۲۰۱۲) و رولرو و دی پیکولی (۲۰۱۰) است.

نتایج مدل درباره فرضیه سوم پژوهش نشان می‌دهد شبکه اجتماعی غیررسمی که در جریان تحلیل عامل اکتشافی در عامل انطباق اجتماعی- فرهنگی ادغام شد، بر تجانس فرد- مکان که در جریان تحلیل عامل با این‌همانی ادغام شد، تأثیر غیرمستقیم زیادی دارد. در واقع انطباق اجتماعی- فرهنگی از جمله روابط با دوستان و آشنایان، روابط همسایگی، سازگاری با آداب و رسوم، تطابق با ارزش‌های اخلاقی و عقاید مذهبی، تطابق با سبک زندگی و شناخته شدن توسط سایر ساکنان از طریق ایجاد سازگاری بین فرد و محله و یا به‌واسطه اثرگذارانی بر کسب اعتبار اجتماعی سبب می‌شود تا فرد محله را بازتابی از شخصیت خود احساس کند و خود را اهل محله سپه بداند. درحقیقت فرد خود را عضو از شبکه اجتماعی «سپه‌ها» می‌داند و با آن احساس این‌همانی می‌کند. پژوهش ورکویتن (۲۰۱۸) نشان داد، آشنایی و پیوندهای اجتماعی می‌تواند عاملی جهت جلوگیری از جابه‌جایی افراد و ایجاد هویت مکانی باشد. این نتایج هم‌سو با تحقیقات پیشین از جمله حسین‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)؛ چن و همکاران (۲۰۱۸)؛ ژانگ (۲۰۱۵) و نجفی و شریف (۲۰۱۱) است.

از یافته‌های دیگر این تحقیق در راستای فرضیه چهارم پژوهش، حاکی از تأثیر غیرمستقیم پیوندهای تبارشناسانه که در جریان تحلیل عامل اکتشافی زیرمجموعه پیوندهای خاطره‌ای- رویدادی قرار گرفت، بر وابستگی عاطفی است که در جریان تحلیل عامل اکتشافی زیرمجموعه این‌همانی قرار گرفت. این بدان معناست که عوامل خاطره‌انگیز مانند مکان زادگاه فرد یا سپری کردن دوران کودکی، همچنین خاطرات تلخ و شیرین گذشته و رویدادهای تاریخی و سیاسی در وابستگی عاطفی فرد به محله اثرگذار هستند. طبق پژوهش ملنیچاک و نیدیک (۲۰۱۸)، سابقه تاریخی بر ادراک تداوم مکانی توسط ساکنان تأثیر مثبت دارد. درحقیقت مکان زادگاه فرد از آنجا که یادآور خاطرات دوران کودکی و در تداوم با گذشته اوست نوعی احساس تعلق خاطر عمیق و حس نزدیک شدن به اصل و ریشه را به‌دنبال دارد. این نتایج هم‌سو با تحقیقات پیشین از جمله حیدری (۲۰۱۷)؛ رولز (۲۰۱۷)؛ ریچاردز (۲۰۱۵)؛ کراس (۲۰۱۵)؛ پیربایی و سجاذزاده (۱۳۹۰) و لویکا (۲۰۱۱) است. همچنین به‌واسطه تأثیر بر روابط اجتماعی و آشنایی افراد با یکدیگر، احساس آرامش و در خانه بودن را به فرد منتقل می‌کند. از طرفی، تحلیل مسیرهای مدل نشان می‌دهد، پیوندهای خاطره‌ای- رویدادی بر این‌همانی ساکنان تأثیر غیرمستقیم دارد. در واقع محل زادگاه فرد، گذراندن دوران کودکی و تداوم با خاطرات گذشته به‌واسطه کاهش احساس بیگانگی با محله می‌تواند بر احساس این‌همانی با محله مؤثر باشد.

نتایج مدل درباره فرضیه پنجم نشان می‌دهد، پیوندهای اقتصادی بر تناسب محیطی تأثیر غیرمستقیم دارد. این بدان معناست که وجود محل کار، مالکیت مغازه (یا واحد تجاری)، وابستگی اقتصادی خانواده و یا مالکیت زمین و یا خانه بر رفع نیازهای فرد، تمایل او به گذراندن وقت در محله، عدم تمایل به ترک محله و حس رضایتمندی او اثرگذار است. این تأثیر می‌تواند به‌واسطه

ارتقای انطباق اجتماعی - فرهنگی باشد. انواع وابستگی‌های اقتصادی سبب تداوم حضور فرد در محله و افزایش روابط اجتماعی غیررسمی و آشنایی بیشتر با فرهنگ و آداب و رسوم ساکنان محله می‌شود و بنابراین سازگاری ساکنان با محیط محله را افزایش می‌دهد. این نتایج هم‌سو با تحقیقات پیشین از جمله کتنی و همکاران (۲۰۱۹)؛ حسین‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)؛ سعادت و همکاران (۱۳۹۷) و کراس (۲۰۱۵) است. برای مثال کسبه محله سپه به‌علت حضور در مرکزی‌ترین قسمت محله یعنی خیابان سپه و قرارگیری در بطن فعالیت‌های شبانه‌روزی آن، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی عمیقی با سایر افراد محله دارند.

در راستای فرضیه ششم پژوهش، پیوندهای روایتی که در تحلیل عامل، تاریخی - روایتی نام گرفت، بر بیگانگی با مکان تأثیر غیرمستقیم دارد. در واقع آشنایی با پیشینه نام محله، دانستن روایت‌ها و داستان‌ها راجع به آن و آشنایی با تاریخچه محله با میانجی‌گری عوامل خاطره‌ای - رویدادی، باعث کاهش بیگانگی و دل‌زدگی از مکان می‌شود و انگیزه‌ای برای سکونت فرد در محله ایجاد می‌کند. پس درحقیقت پیوندهای تاریخی - روایتی با مکان خود موجب ایجاد نوعی پیوند خاطره‌ای - رویدادی نیز خواهد شد. همان‌گونه که سزارینی (۲۰۱۶) بیان کرد، تداعی خاطرات در محله نوعی فضای نمادین ایجاد می‌کند که باعث تقویت هویت مکانی خواهد شد. طبق پژوهش شالین (۲۰۱۷)، هرگونه مداخله ساختاری که سبب گسست از گذشته محله شود سبب نوعی حس بیگانگی با مکان خواهد شد. نوع دیگری از این ارتباط غیرمستقیم به‌واسطه کسب اعتبار و شأن اجتماعی است که به‌علت پیوند تاریخی با مکان به‌لحاظ روانی در فرد ایجاد می‌شود و نوعی حس غرور و افتخار را نسبت به محل زندگی به وجود می‌آورد. آشنایی با تاریخچه محله می‌تواند از طریق خاطره‌انگیزی در ذهن ساکنان، حس غریبگی و بیگانگی را کاهش دهد و اهمیت و ارزش محله را آشکار سازد. این نتایج هم‌سو با تحقیقات پیشین از جمله دیاز - پارا و جور (۲۰۲۱)؛ راپاپورت (۲۰۱۶)؛ دی دومینیچی و همکاران (۲۰۱۵)؛ ارباب و همکاران (۱۳۹۴)؛ گلرخ (۱۳۹۲) و پیربابایی و سجاذزاده (۱۳۹۰) است. برای مثال آشنایی با تاریخچه خیابان و محله سپه و وجه تسمیه آن، اهمیت و موقعیت مرکزی بافت تاریخی قزوین و آثار و بناهایی مانند مسجدجامع را به فرد یادآوری می‌کند و بنابراین حس مسئولیت و ارزشمندی نسبت به محله را در ساکنان ایجاد می‌کند.

از سایر نتایج پژوهش آن است که پیوندهای تاریخی - روایتی بر پیوندهای معنوی افراد تأثیر زیادی دارد. آشنایی با پیشینه نام محله، دانستن روایت‌ها و داستان‌ها راجع به آن و آشنایی با تاریخچه محله سبب می‌شود مکان‌های مقدس، مقبره‌ها، برگزاری مراسم آئینی و به‌ویژه وجود آثار و بناهای تاریخی در محله برای فرد ارزش معنوی بیشتری پیدا کند. تحلیل عامل نشان داد، آثار و بناهای تاریخی در محله سپه برای ساکنان اهمیتی روحی و غیرملموس دارد که آن را در دسته پیوندهای معنوی قرار می‌دهد. استد و دامنی (۲۰۱۸) نیز، اهمیت محورهای معنوی را در تداوم

معنای مکان مطرح کردند، بنابراین وجود مراکز مقدس در دوران جابه‌جایی می‌تواند مرجعی برای هویت‌یابی افراد باشد. این یافته پژوهش در راستای تحقیقات پیشین از جمله شلت (۲۰۱۷)؛ کراس (۲۰۱۵) و یوچنگ (۲۰۱۲) است.

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت، از آنجاکه انطباق اجتماعی - فرهنگی مؤثرترین عامل بر بعد تناسب محیطی در ایجاد هویت مکانی ساکنان بوده است، بنابراین هویت مکانی در محله سپه، غالباً ناشی از حس مشترکی است که میان ساکنان به‌واسطه عضویت در یک مقوله اجتماعی مانند روابط دوستی یا همسایگی، وجود اشتراکات فرهنگی و مذهبی و یا تطابق با سبک زندگی شکل گرفته است. بنابراین جهت ارتقای احساس هویت مکانی ساکنان لازم است متغیرهای انطباق اجتماعی - فرهنگی مدنظر قرار گیرد. همچنین وجود مؤلفه شناخته شدن توسط سایر ساکنان، نشان می‌دهد مقایسه اجتماعی در تناسب و سازگاری ساکنان با محله اهمیت بسزایی دارد؛ بدین معنی که فرد قضاوتی ارزیابانه از خود نسبت به سایر ساکنان می‌سازد که این امر منجر به تعهد او نسبت به محله می‌شود. بعد از آن، عامل تاریخی - روایتی و معنوی نقش مهمی در شکل‌گیری احساس هویت مکانی ساکنان ایفا می‌کنند. حفظ نام‌ها و اسامی و آثار و بناهای تاریخی، توجه به نقاط کانونی مقدس از جمله مسجدجامع و امامزاده اسماعیل به‌عنوان قطب‌های معنوی محله سپه و همچنین ایجاد امکان برگزاری مراسم مذهبی سالیانه در خیابان سپه که یکی از محورهای تاریخی - فرهنگی شهری است، می‌تواند راهکارهای ارتقای احساس هویت مکانی ساکنان محله و در نتیجه ماندگاری سکونت باشد. اولین محدودیت این پژوهش، گستردگی موضوع هویت مکانی بوده که امکان بررسی همه ابعاد آن میسر نبوده است. سایر محدودیت‌ها مربوط به ابزار و خطای اندازه‌گیری است. هرچند نویسندگان با تدوین مدل نظری و تأیید روایی سعی نموده‌اند موارد کلیدی را در ابزار در نظر بگیرند، با این حال به‌علت ماهیت گسترده موضوع و خطای انسانی امکان پنهان ماندن برخی عوامل وجود داشته است. بررسی نقش متغیرهای کالبدی و زمینه‌ای، ساخت و اعتباریابی سایر مقیاس‌های سنجش هویت مکانی مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق با ساکنان و انجام پژوهش‌های موردی در سایر محله‌های ایران می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات آتی در این زمینه باشد.

منابع

- ارباب، پارسا؛ عزیزی، محمد مهدی و زبردست، اسفندیار (۱۳۹۴). تبیین معیارهای کلیدی فرایند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ تهران). هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۰(۴)، ۵-۲۰.

- افشاری، محسن؛ پوردیهیمی، شهرام و صالح صدق‌پور، بهرام (۱۳۹۴). سازگاری محیط با روش زندگی انسان (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی). مسکن و محیط روستا، ۱۶-۳، (۱۵۲)۳۴.
- بوربور، اکرم و تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۴۰۰). رابطه میان میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با هویت اجتماعی زنان شهر تهران. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۶(۲)، ۱۳۷-۱۵۹.
- پورجعفر، محمدرضا؛ ایزدی، محمدسعید و خبیری، سمانه (۱۳۹۴). دل‌بستگی مکانی؛ بازشناسی مفهوم، اصول و معیارها. هویت شهر، ۹(۲۴)، ۴۳-۵۴.
- پوردیهیمی، شهرام و نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۲). هویت و مسکن؛ بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی. مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۱)، ۳-۱۸.
- پیربابایی، محمدتقی و سجاذزاده، حسن (۱۳۹۰). تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی. باغ نظر، ۸(۱۶)، ۱۷-۲۸.
- جوادی، مهسا؛ بوداغ، مهرناز و مکانی، ویدا (۱۳۹۴). درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان‌ساخت به‌وسیله مؤلفه‌های مکان، فضا و کالبد. مدیریت شهری، ۱۴(۴۱)، ۱۳۹-۱۵۹.
- جهاد دانشگاهی قزوین (۱۳۹۱). تدوین شرح خدمات اقدامات شهر تاریخی قزوین (جلد دوم: طرح موضوعات حمل‌ونقل، اجتماعی و اقتصادی). قزوین: سازمان نوسازی و بهسازی شهر قزوین.
- حسین‌آبادی، سعید؛ سلمانی مقدم، محمد و نوری دشتیان، مریم (۱۳۹۸). هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی نمونه مطالعه: محله کلاه‌فرنگی سبزوار. برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۹(۳۴)، ۸۹-۱۱۰.
- دامیار، سجاد (۱۳۹۳). رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت‌بخش در معماری. مسکن و محیط روستا، ۳۳(۱۴۶)، ۹۱-۱۰۶.
- رضوانپور، مهرناز؛ شرقی، علی و صالح صدق‌پور، بهرام (۱۳۹۸). رابطه ادراک کیفیت مسکن و محیط مسکونی با عزت‌نفس ساکنین محله‌های ناهمگن (نمونه موردی: محله حسن‌آباد-زرگنده تهران). پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۲۳-۴۸.
- سخاوت‌دوست، نوشین و البرزی، فریبا (۱۳۹۹). نگرشی نشانه‌شناسانه به عناصر محور تاریخی خیابان سپه قزوین و خوانش هویت مکانی آن از منظر پدیدارشناسی. آرمان‌شهر، ۱۳(۳۰)، ۹۷-۱۱۵.
- سعادت‌ی، سیده پوراندخت؛ مظفر، فرهنگ و حجت، عیسی (۱۳۹۷). تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دل‌بستگی به خانه با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی: واحدهای

- مسکونی شهر اصفهان). مسکن و محیط روستا، ۳۷(۱۶۴)، ۸۵-۱۰۰.
- کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن نمونه موردی: پیاده‌راه شهرداری. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۸(۳)، ۴۳-۵۲.
 - کاظمینی، میترا؛ غفوریان، میترا و حصاری، الهام (۱۳۹۹). بازشناسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت‌مندی در محلات ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله شنبیدی بوشهر). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۸(۱)، ۲۷-۴۰.
 - کیخاونی، شیلر؛ صفاری‌نیا، مجید؛ علی‌پور، احمد و فرزاد، ولی‌اله (۱۳۹۹). تدوین ابعاد اجتماعی سلامت از منظر مدیریت شهری. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۴۱-۶۴.
 - گلرخ، شمین (۱۳۹۱). مکان و هویت شخصی: نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری حس خود. شهر و معماری بومی، ۳(۳)، ۹۷-۱۰۸.
 - گلرخ، شمین (۱۳۹۲). نقش فضای همگانی در هویت مکانی شهروندان؛ زنان جوان (۲۳-۲۵ سال) ساکن تهران. پایان‌نامه دکتری طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
 - نوابخش، مهرداد؛ حاجیانی، ابراهیم و بهلول، سید محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی و سنجش میزان هویت محله‌ای شهروندان تهرانی. مطالعات مدیریت شهری، ۴(۱۰)، ۱۵-۲۷.
 - وحیدا، فریدون و نگینی، سمیه (۱۳۹۱). ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای. مطالعات شهری، ۲(۲)، ۳۵-۵۸.
 - *Belk, R. W. (2013). Extended self in a digital world. Journal of consumer research, 40(3), 477-500.*
 - *Bernardo, F., & Palma-Oliveira, J. M. (2016). Urban neighbourhoods and intergroup relations: The importance of place identity. Journal of Environmental Psychology, 45, 239-251.*
 - *Carter, M. J., & Fuller, C. (2015). Symbolic interactionism. Sociopedia. isa, 1(1), 1-17.*
 - *Catney, G., Frost, D., & Vaughn, L. (2019). Residents' perspectives on defining neighbourhood: mental mapping as a tool for participatory neighbourhood research. Qualitative Research, 19(6), 735-752.*
 - *Cesarini, T. J. (2016). The Multiple Meanings of San Diego's Little Italy: A Study of the Impact of Real and Symbolic Space and Boundaries on the Ethnic Identities of Eight Italian Americans. Doctoral dissertation, University of San Diego.*
 - *Chen, N., Šegota, T., & Golja, T. (2018, July). Residents' engagement in tourism development: self-congruity and Word-Of-Mouth behaviour. In 2018 Global Marketing Conference at Tokyo (pp. 1072-1072).*
 - *Chen, R. B., & Sekar, A. (2018). Investigating the impact of sense of place on site visit frequency with non-motorized travel modes. Journal of transport geography, 66, 268-282.*

- Cross, J. E. (2015). *Processes of place attachment: An interactional framework*. *Symbolic interaction*, 38 (4), 493-520.
- De Dominicis, S., Fornara, F., Cancellieri, U. G., Twigger-Ross, C., & Bonaiuto, M. (2015). *We are at risk, and so what? Place attachment, environmental risk perceptions and preventive coping behaviours*. *Journal of Environmental Psychology*, 43, 66-78.
- Díaz-Parra, I., & Jover, J. (2021). *Overtourism, place alienation and the right to the city: insights from the historic centre of Seville, Spain*. *Journal of Sustainable Tourism*, 29(2-3), 158-175.
- Droseltis, O., & Vignoles, V. L. (2010). *Towards an integrative model of place identification: Dimensionality and predictors of intrapersonal-level place preferences*. *Journal of environmental Psychology*, 30(1), 23-34.
- Heydari, B. (2017). *Investigating indicators of place-identity (IPI) in historic urban public spaces based on the examination of historic district of Tehran and Münster*. Doctoral dissertation, TU Dortmund.
- Hummon, D. M. (2016). *11. House, Home, and Identity in Contemporary American Culture*. In *Housing, culture, and design* (pp. 207-228). University of Pennsylvania Press.
- Kline, R. B. (2012). *Assumptions in structural equation modeling*. In R. H. Hoyle, eds., *Handbook of structural equation modeling* (p. 111–125). The Guilford Press.
- Lewicka, M. (2011). *Place attachment: How far have we come in the last 40 years?*. *Journal of environmental psychology*, 31(3), 207-230.
- Lien, L. L. (2013). *Person-environment fit and adaptation: exploring the interaction between person and environment in older age*. Doctoral dissertation, Oregon State University.
- Low, S. (2016). *Spatializing culture: The ethnography of space and place*. Routledge.
- Manzo, L. C. (2019). *The Experience of Place and Displacement in the 21st-Century City*. In *The Routledge Handbook of People and Place in the 21st-Century City* (pp. 125-134). Routledge.
- Manzo, L. C., & Devine-Wright, P. (2013). *Place attachment: Advances in theory, methods and applications*. Routledge.
- Melnychuk, A., & Gnatiuk, O. (2018). *Regional identity and the renewal of spatial administrative structures: The case of Podolia, Ukraine*. *Moravian Geographical Reports*, 26(1), 42-54.
- Najafi, M., & Shariff, M. K. B. M. (2011). *The concept of place and sense of place in architectural studies*. *International Journal of Human and Social Sciences*, 6(3), 187-193.
- Noormohammadi, S. (2012). *Essential human qualities in strengthening place identity as expressed in Louis Kahn's architectural theory*. *The Role of Place Identity in the Perception, Understanding, and Design of Built Environments*, 22-34.

- Peng, J., Strijker, D., & Wu, Q. (2020). *Place identity: how far have we come in exploring its meanings?*. *Frontiers in psychology*, 11, 294.
- Phillips, J., Walford, N., & Hockey, A. (2011). *How do unfamiliar environments convey meaning to older people? Urban dimensions of placelessness and attachment*. *International Journal of Ageing and Later Life*, 6(2), 73-102.
- Rapoport, A. (2016). *Human aspects of urban form: towards a man-environment approach to urban form and design*. Elsevier.
- Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). *The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections*. *Journal of environmental psychology*, 30(4), 422-434.
- Richards, G. (2015). *Developing the eventful city: Time, space and urban identity*. *Planning for event cities*, 37-46.
- Rollero, C., & De Piccoli, N. (2010). *Place attachment, identification and environment perception: An empirical study*. *Journal of environmental psychology*, 30(2), 198-205.
- Rowles, G. D. (2017). *Being in place: Identity and place attachment in late life*. In *Geographical gerontology* (pp. 203-215). Routledge.
- Schlitte, A. (2017). *Narrative and place*. In *Place, Space and Hermeneutics* (pp. 35-48). Springer, Cham.
- Seamon, D., & Gill, H. K. (2016). *Qualitative approaches to environment-behavior research*. *Research methods for environmental psychology*, 5.
- Shaolian, D. (2017). *Impacts of urban renewal on the place identity of local residents—a case study of Sunwenxilu traditional commercial street in Zhongshan City, Guangdong Province, China*. *Journal of Heritage Tourism*, 12(3), 311-326.
- Soini, K., Vaarala, H., & Pouta, E. (2012). *Residents' sense of place and landscape perceptions at the rural–urban interface*. *Landscape and Urban Planning*, 104(1), 124-134.
- Stead, V., & Dominy, M. D. (2018, January). *Moral Horizons of Land and Place*. In *Anthropological Forum* (Vol. 28, No. 1, pp. 1-15). Routledge.
- Tonge, J., Ryan, M. M., Moore, S. A., & Beckley, L. E. (2015). *The effect of place attachment on pro-environment behavioral intentions of visitors to coastal natural area tourist destinations*. *Journal of Travel Research*, 54(6), 730-743.
- Ujang, N. (2012). *Place attachment and continuity of urban place identity*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 49, 156-167.
- Ujang, N., & Zakariya, K. (2015). *The notion of place, place meaning and identity in urban regeneration*. *Procedia-social and behavioral sciences*, 170, 709-717.
- Van Vianen, A., E. (2018). *Person–environment fit: A review of its basic tenets*. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 5, 75-101.

- Verkuyten, M. (2018). *The social psychology of ethnic identity*. Routledge.
- Watkins, M. W. (2018). *Exploratory factor analysis: A guide to best practice*. *Journal of Black Psychology*, 44(3), 219-246.
- Zhang, J. (2015). *Mobility and the construct of place identity: a time-space reflection on everyday life around MTR stations in Hong Kong*. *HKU Theses Online (HKUTO)*.

